

{ have / has + pp } : طرز ساخت زمان حال کامل (ماضی نقلی)

1- We have lived in Tehran since 2012.

2- She has lived in Tehran for 8 years.

نکته ۱: Past participle = اسم مفعول (pp) افعال با قاعده با افزودن { d/ed } ساخته می شود و افعال بی قاعده با توجه به جدولی که در انتهای کتاب آمده ، آنها را یاد می گیریم .

نکته ۲: برای منفی کردن حال کامل (ماضی نقلی) به فعل های کمکی { have / has } ، { not / n't } افزوده می شود.

3- I have not done my homework yet.

4- She hasn't spoken to me since last week.

نکته ۳: برای سؤالی کردن حال کامل (ماضی نقلی) ، جای فعل کمکی { have / has } با فاعل عوض می شود.

5- Have you finished your homework yet?

6- Has she lived in Tehran for 8 years?

7- How long [چه مدت] have you lived in this house?

نکته ۴: در زمان ماضی نقلی ، مخفف (شکل کوتاه شده) " has " بصورت ('s) و مخفف have بصورت ('ve) می باشد

8- We 've studied English for 2 hours.

9- It 's rained here since last night.

موارد کاربرد حال کامل (ماضی نقلی) :

۱- بیان کاری یا عملی در گذشته نامعلوم :

10- I have broken my leg.

11- She has bought a bicycle.

12- I have complained about the traffic before.

complain = شکایت کردن

۲- بیان کاری یا عملی در گذشته ، که اثر آن به صورت (فیزیکی یا ذهنی) در زمان حال باقی مانده است.

13- I have read this book. (مطالب آن را به خاطر دارم. (اثر ذهنی)

14- It has rained a lot. (زمین خیس است. (اثر فیزیکی)

۳- بیان کاری یا عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان حال ادامه داشته است. { for / since }

15- We have lived in this house for 12 years.

16- They have been at the hotel since last week.

for (به مدت ، برای) یا طول دوره ی زمانی بکار می رود. ✓

(for 2 hours/ 5 days/ a week/month/3 years, ...)

since (از زمان) یا شروع و مبدأ زمانی بکار می رود. ✓

(since this morning/ yesterday / last week / 1998, ...)

نکات اضافی در مورد { **for / since** }

✓ ۱- اگر بعد از **since** جمله بیاید، معمولاً بصورت گذشته ساده و جمله قبل از آن حال کامل (ماضی نقلی) می باشد.

17- I **haven't played** football **since** I **left** university.

✓ ۲- اما با توجه به مفهوم جمله گاهی اوقات بعد از **since** جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) هم بکار می رود.

18- I've known her **since** I **have lived** here.

✓ ۳- بعد از **since then** (از اون زمان به بعد) جمله به صورت ماضی نقلی (حال کامل) بکار می رود.

19- I **left** school in 20012, and **since then** I've lived in London.

- به تفاوت دو جمله زیر دقت شود.

20- He **hasn't smoked** a cigarette **since** last month.

21- He **hasn't smoked** a cigarette **for** the last month.

- در مثال ۲۱، به حرف تعریف (the) قبل از (last month) دقت شود.

۴- بیان کار یا عملی در گذشته نزدیک با قیدهای (just) به تازگی / اندکی قبل / lately اخیراً / recently

22- They **have just left** home.

23- David **has recently come back** from Canada.

24- I **have been** very busy **lately**.

۵- بیان کار یا عملی که قبل از حال (در زمان گذشته) چندین بار تکرار شده است. (امکان وقوع این عمل در آینده هم وجود دارد).

25 - He **has written** 3 books and he is working on another one.

26- I **have seen** this film **several times** .

27- My uncle is a writer. He **has written** many books.

28- My uncle, **who died last year**, was a writer. He **wrote** many books.

- در مثال ۲۸، امکان وقوع عمل در آینده وجود ندارد، در نتیجه از گذشته ساده استفاده شده است.

۶- با قیدهای ۱- (تاکنون) = { **so far, until now / up to now** } - ۲- هنوز = **yet** { در جملات منفی و سوالی }

۳- **already** = قبلاً - ۴- **ever, never,** - ۵- **in /for the last few days**

29- We **have taken** 3 tests **so far**.

30- We **have had** 20 Olympic Games **up to now**.

31- I **haven't finished** my work **yet**.

32- **Has** she **finished** her homework **yet**?

33- I **have already done** my homework.

34- **Have** you **ever been** to Paris? No, I **have never been** there.

35- I **have met** a lot of people **in /for the last few days**.

۷- بعد از صفات عالی مانند ۱- **the best, the most (beautiful), the worst** و ۲- اعداد ترتیبی **the first,**

the second, ...

36- This is **the best** book that I **have ever read**.

37- This is **the first** time I've **driven** a car.

38- This is **the most beautiful** park that I've **ever seen**.

39- I **have lost** my passport. It is **the second** time this **has happened**.

۸- با قیدهای زمان today , this morning , this week / month , this evening (زبان تخصصی)
اگر موقع گفتگو و بیان کردن آن کار یا عمل ، موعده آن زمان سپری نشده باشد.

40- He has drunk 3 cups of tea today.

(امروز سپری نشده است)

41- I have written 3 letters this morning.

(امروز صبح سپری شده است)

۹- در جملاتی که کلمات ربط زمان و حروف شرط { When , after , as soon as , if , ... } به زمان آینده اشاره می کند
(زبان تخصصی)

42- After I have left hospital, I will go on a long holiday.

43- As soon as I have finished college, I want to travel around the world.

44- I 'll go swimming with you this afternoon if I have finished my work.

45- After I left hospital , I had a long holiday. (اشاره به زمان گذشته : با جملات بالا مقایسه شود)

۱۰- بیان یک خبر (اعلان یک رویداد ساده) : (زبان تخصصی)

46- The road is closed. There has been an accident.

47- The President has arrived in Iran.

48 - I'm glad to tell you 've passed your exam.

Spotlight : مقایسه حال کامل با گذشته ساده در برخی از جملات : (زبان تخصصی)

49- Tom has lost his key. (به حال مرتبط است (تام در حال حاضر کلید ندارد).

- He is looking for his keys. He can't find it. He does not have his key now.

50- Tom lost his key. (نمی دانیم تام کلید را یافته است ، یا نه)

- We don't know if he has found his keys or not.

51- My friend has been to Paris. (Now he is at home again.)

- یعنی دوستم قبلا در پاریس بوده و الان دیگر آنجا نیست . (یعنی الان به خانه و یا وطنش برگشته است)

52- My friend has been in Paris for 2 years. She is working there and likes it very much.

- یعنی دوستم الان هم در پاریس است (تاکید بر ماندن و زندگی کردن در پاریس است)

53- My friend has gone to Paris. (He is in Paris now.)

- یعنی رفته به پاریس و به خانه و یا وطنش برنگشته است.

54- She has lived in Tehran for six years.

55- She lived in Tehran for six years. (او در گذشته در تهران زندگی کرده و به اتمام رسیده است.)

گرامر درس دوم (۲) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) (phrasal verbs) در زبان انگلیسی:

سه نوع عبارت فعلی در زبان انگلیسی داریم:

۱- عبارت فعلی دو جزئی (حرف اضافه دار): که از ترکیب **یک فعل** و **یک حرف اضافه (preposition)** تشکیل می شوند، به این

گروه از فعل ها در زبان انگلیسی **(prepositional phrasal verbs)** می گویند

نکته ۱: در برخی از این نوع فعل ها، با افزودن حرف اضافه به فعل، معنی اصلی فعل، زیاد تغییر نمی کند.

Look at - listen to - agree with - talk to / with- talk about - laugh at -wait for

1- I **looked at** the picture carefully.

نکته ۲: در برخی از این نوع فعل ها، با افزودن حرف اضافه به فعل، معنی اصلی فعل، تغییر می کند.

Look after= =take care of (مراقبت کردن) look for = search for (جستجو کردن و گشتن)

2- Could you **look after** my kids while I'm out?

۲- عبارت های فعلی دو جزئی (قیدی): که از ترکیب **یک فعل** و **یک جزء قیدی (adverb particle)** تشکیل می شوند، به این

گروه از فعل ها، در زبان انگلیسی **(particle phrasal verbs)** می گویند

نکته: در اکثر این نوع از فعل ها، با افزودن جزء قیدی به فعل، معنی اصلی فعل، تغییر می کند

give back=return (پس دادن) give up = stop/ quit= (ترک کردن کاری یا چیزی)

pass away = die (رحلت کردن / دارفانی را گفتن)

3- My friend's father **gave up** smoking last year.

۳- عبارت فعلی سه جزئی: این نوع از فعل ها، از ترکیب **یک فعل**، با **یک جزء قیدی (adverb particle)** و **یک حرف اضافه**

(preposition) تشکیل می شوند. به این گروه از فعلها، در زبان انگلیسی **(prepositional-particle phrasal verbs)**

می گویند

حرف اضافه + جزء قیدی + فعل

/ **look forward to** = مشقانه منتظر بودن /

/ **run out of** = finish = (تمام کردن) /

/ **get along with** = (کار آمدن / از عهده کاری برآمدن) /

/ **hang up with** = (وقت گذراندن با کسی / بیرون رفتن با کسی) /

/ **cut down on** = **reduce** (کاهش دادن) /

/ **take part in** = participate in (شرکت کردن) /

/ **be made up of** = تشکیل شدن /

4- Do you **get along with** your older brother?

5- I have decided to **cut down on** eating fatty foods.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) به دو گروه دیگر نیز می توان تقسیم کرد.

۱- افعال لازم: **(Intransitive Verbs)** ۲- افعال متعدی: **(Transitive Verbs)**

۲- افعال لازم: (**Intransitive Verbs**): افعالی هستند، که مفعول نمی گیرند

6-She **grew up** in Rasht.

7- His father **passed away** last year.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) لازم در محدوده ی کتاب های درسی و کککور می باشند عبارتند از:

check in= (پذیرش گرفتن / اعلام ورود کردن) check out= (خارج شدن / تحویل دادن اتاق) get away= (در رفتن / دور شدن)
get up=*wake up (بیدار شدن) go away= (دور شدن / در رفتن) hang out= (ول گشتن / بیرون رفتن)
hurry up= (عجله کردن) look back= (فکر کردن به گذشته / به عقب نگاه کردن) turn round= (دور زدن / برگشتن)
watch out= (مواظب بودن) look out= (مواظب بودن) die out= (منقرض شدن / از بین رفتن)
grow up= (بزرگ شدن) go out= (خاموش شدن / قطع شدن برق) pass away= (مردن / رحلت کردن)
get around = (شیوع پیدا کردن بیماری / پخش شدن خبر) come on= (عجله کردن)

۲- افعال متعدی: (**Transitive Verbs**): افعالی هستند، که مفعول می گیرند

8-I am **looking for** my keys.

9- He **turned off** the light.

افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) متعدی، به دو گروه تقسیم می شوند

الف) افعال جدا نشدنی (**Inseparable Verbs**)

ب) افعال جدا شدنی (**Separable Verbs**)

الف) افعال جدا شدنی (**Separable Verbs**): افعال جدا شدنی که در محدوده ی کتاب های درسی و کککور هستند عبارتند از:

turn on = (روشن کردن) turn off = (خاموش کردن) turn up = (زیاد کردن صدا)
turn down = (کم کردن صدا) put on = (پوشیدن / به تن کردن لباس) take off = (در آوردن / کندن لباس)
call up = تلفن کردن pick up = (برداشتن) wake up = (بیدار کردن)
look up = (پیدا کردن لغت در کتاب) give up = (ترک کردن کار یا عملی) give back = (پس دادن)
call back = (دوباره زنگ زدن) cut down = fell (قطع کردن / بریدن درختان) put out = extinguish (خاموش کردن آتش)
fill in/out = complete take away = (چیزی را از کسی گرفتن / از میان برداشتن) put aside = کنار گذاشتن
keep off = وارد جایی نشدن / پرهیز کردن

نکته ۱: اگر مفعول این افعال اسم باشد، جدا کردن / یا جدا نکردن جزء قیدی، به اختیار است. (به عبارت دیگر اسم می تواند قبل یا بعد جزء قیدی قرار گیرد.)

10-He **turned on** the light.

11-He **turned the light on**.

نکته ۲: اگر مفعول این افعال، ضمیر مفعولی باشد، جزء قیدی حتماً جدا می شود. (به عبارت دیگر ضمیر مفعولی بین فعل و جزء قیدی

ضمائر مفعولی عبارتند از: **me - you - him - her - it - us - you - them**) قرار می گیرد.

12- Did Ali **turn off the lights**? Yes, he **turned them off**.

ب) افعال جدا نشدنی (**Inseparable Verbs**): افعال دو کلمه ای هستند که حروف اضافه اشان از بخش فعلی جدا نمی شوند

13-She is **looking at** the picture.

14-She is **looking at** it.

افعال جدا نشدنی که در محدوده ی کتاب های درسی و کنکور می باشند عبارتند از:

look at = (نگاه کردن) look for= search for (جستجو کردن/گشتن) look after= (v) مراقبت کردن از
talk about= (صحبت کردن درباره) talk to/ with= (صحبت کردن) speak to / with = (صحبت کردن)
wait for= (منتظر ماندن برای) think about/ of= (فکر کردن) pay for= پرداختن پول

نکته مهم: دانش آموزان عزیز، در کتاب های درسی به نکات گفته شده در بالا، پرداخته نشده است و بهتر است بعد از یک بار خواندن مطالب بالا، فقط به معنی افعال دو کلمه ای (عبارت های فعلی) دقت شود، به احتمال زیاد، طراحان سوال کنکور، از معانی این فعل ها تست طراحی خواهند کرد.

بخش Writing درس دوم (۲) زبان انگلیسی پایه یازدهم

Gerund (اسم مصدر):

هر گاه فعل به عنوان یک اسم بکار رود به آن Gerund (اسم مصدر) می گویند.

اسم مصدر = *ing* + فعل

نکته: کلمه ی *ing* دار، فعل یا صفت هم می تواند باشد، که جزء مباحث این درس نمی باشد.
موارد کاربرد اسم مصدر (فعل *ing* دار):

۱ - اسم مصدر به عنوان فاعل (subject) در اول جمله:

- 1- Driving carelessly is dangerous.
- 2- Playing ping-pong for 2 hours made him tired.
- 3- He thinks that living for a long time in a crowded city has made him tired.
- 4- Singing makes me happy.
- 5- Listening and watching the news are two ways to improve your English.

۲ - اسم مصدر به عنوان مفعول مستقیم (direct object) بعد از فعل های زیر:

1- imagine → quit=give up → finish (کتاب درسی)

2- *love & enjoy → practice & keep (on) (کتاب درسی)

- 6- Can you imagine living on the moon?
- 7- He quit smoking last year.
- 8- My father gave up eating fast food.
- 9- She finished doing her homework.
- 10- I *love reading storybooks. (to read)
- 11- Young children enjoy helping around the house.
- 12- Let's practice speaking English.
- 13- I keep telling you, but you won't listen.
- 14- Although we tried to stop him, he kept on talking.

- 43- The film is worth seeing.
- 44- He is not used to living in such a big city.
- 45- My mother says she is looking forward to meeting you.
- 46- I objected to having to rewrite the article.
- 47- We do not allow/permit smoking here.
- 48- I wouldn't advise taking the car.

نکته اضافی (زبان تخصصی): بعد از فعل های **stop** ، **like** ، **love** ، **hate** ، **remember** ، **prefer** و **forget** فعل دوم می تواند هم به صورت **ing دار** و هم به صورت **مصدر با to** بکار رود که از نظر معنی و ساختار متفاوت هستند.

- 49- a) He stopped smoking. (او سیگار کشیدن را متوقف کرد (ترك کرد). (give up / quit)
 b) He stopped to smoke. او ایستاد تا سیگار بکشد.
- 50- a) He likes swimming. (دوست داشتن دائمی ولذت بردن کلی)
 b) He likes to swim. (دوست داشتن در مقطع زمانی خاص)
- 51- a) He remembers meeting Mina for the first time. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان گذشته)
 b) He remembers to send him the letter. (به یاد آوردن انجام کاری یا عملی در زمان آینده)
- 52- a) I prefer to go to the movies tonight. (تمایل به انجام کاری در زمان خاص)
 b) I prefer travelling by train.
 c) I prefer swimming to skiing. (ترجیح دادن کلی و دایمی) prefer A to B
- A B
- 53- a) He forgot sending the letter. او فراموش کرد که نامه را ارسال کند. (زمان گذشته)
 b) Don't forget to wake me up tomorrow morning. (زمان آینده). فراموش نکن که مرا بیدار کنی.

نکته اضافی: (زبان تخصصی): بعد از فعل **try** ، در معنی امتحان کردن (test) ، فعل دوم بصورت **ing دار** می آید. اگر به معنی سعی و تلاش کردن باشد، بعد از فعل **try** ، **مصدر با to** می آید.

- 54- Why don't you try using a different shampoo?
 55- He tried to control his voice.

۳ - اسم مصدر به عنوان مفعول حرف اضافه (object of preposition) بعد از حروف اضافه:

حروف اضافه: in, of, from, for, on, with, without, about, at, up, after, before, by, ...

- 56- I am tired of washing the dishes.
- 57- We were thinking about repairing the house.
- 58- He is interested in reading story books.
- 59- Mrs. Karimi told them to brush their teeth before going to bed.
- 60- I was surprised that she left without saying good-bye to anyone.
- 61- My sister is good at drawing flowers.

۴ - اسم مصدر به عنوان متمم فاعل (Subject Complement) بعد از فعل ربطی (to be) :

- 62- a) Mina's favorite hobby is writing poems. b) Mina is writing a poem now.
63- a) Her favorite activity is reading story books. b) She is reading story books now.
64- a) What he liked was traveling to other countries. b) He was travelling in Europe.
در مثال های بالا بخش اول (a) اسم مصدر هستند، اما در بخش دوم (b) فعل هستند که بصورت حال استمراری یا گذشته استمراری بکار رفته اند

۵ - اسم مصدر بعد از فعل go برای نشان دادن فعالیت های ورزشی و تفریحی :

- / go shopping / go biking / go fishing / go swimming / go skating / go jogging / go sailing /
/ go running / go hiking / go hunting / go camping / go sightseeing / go surfing /
/ go mountain climbing /
65- My father goes jogging every morning.
66- We went hunting in the forest last week.

۶ - اسم مصدر بعد از NO برای ممنوع بودن کاری یا عملی (بویژه در علائم هشدار دهنده) :

- / No Smoking / No Fishing / No Parking / No Honking / No swimming /
/ No hunting / No Overtaking
سبقت گرفتن ممنوع

گرامر درس سوم (۳) زبان انگلیسی پایه یازدهم

Conditional Sentence Type (1) : شرطی نوع اول

ساختار جمله ی شرطی نوع اول : If clause type (1)

هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود .

۱- قسمت شرط ، که با IF (اگر) شروع می شود . ۲- جواب و نتیجه ی شرط

1- a) If you study hard, you will pass your test.

قسمت شرط جواب شرط

- اگر نتیجه ی شرط در ابتدای جمله بیاید و سپس قسمت شرط ، نیازی به آوردن کاما « ویرگول » ، « , » نیست .

b) You will pass your test if you study hard.

شرطی نوع اول : که به آن شرطی واقعی گفته می شود . در شرطی نوع اول احتمال وقوع عمل در زمان حال و آینده وجود دارد.